

نسبت شناسی دنیا و آخرت در آیه ۷ روم و نقش آن در تقویت زیست مؤمنانه

نفیسه ابوالحسنی^۱

محسن ابوالحسنی^۲

چکیده

در طول تاریخ، اندیشه درباره دنیا و آخرت و نیز نسبت موجود میان آن دو، جزء جدایی ناپذیر حیات بشری بوده است. قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی در آیات بسیاری به این مسئله پاسخ گفته تا حقیقت جویان در پرتو درک معارف آن و تفکر در رتبه وجودی هر یک از دنیا و آخرت، از بی خبری و تسلیم در برابر مظاهر فانی دنیا مصون مانده و با توشه ایمان و عمل صالح، سعادت‌مندی را برای خود رقم زنند. در این میان آیه مبارکه ۷ روم، نسبت میان دو جهان را نسبت ظاهر و باطن معرفی کرده و هشدار می‌دهد که دنیازدگان، سرمست مظاهر و زینت‌های ظواهر دنیا بیند و از وجه ماندگار و جاودان سرای آخرت غافل‌اند. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تفاسیر، نکات بلاغی و دلالت‌های تربیتی برآمده از آیه در تفاسیر فریقین پرداخته تا از این رهگذر، پس از ترسیم ماهیت حقیقی دنیا و آخرت به نقش معاد باوری در تقویت زیست مؤمنانه جامعه اسلامی بپردازد. دستاورد حاصل از پژوهش حاکی از آن است که طبق آیه مورد بحث، دنیا دارای دو وجه ظاهر و باطن است؛ اکتفاء به جنبه ظاهری حیات دنیوی و غفلت از باطن آن - سرای آخرت - سبب خسران و تباهی همیشگی و در نقطه مقابل، باور به معاد و اصلتمندی آخرت، سبب تقویت زیست مؤمنانه در پرتو مؤلفه‌هایی چون نصرت مستمر الهی، بینش جامع توحیدی، التزام عملی به اوامر الهی، تصحیح سبک زندگی و اصلاح فرهنگی، خواهد گردید.

واژگان کلیدی: دنیا و آخرت، آیه ۷ روم، نسبت دنیا و آخرت، زیست مؤمنانه

طرح مسئله

از جمله پرسش‌هایی که ذهن هر حقیقت جویی را به خود معطوف داشته چگونگی ماهیت دنیا و آخرت و درک نسبت معنادار میان آن دو است. پاسخ به این سؤال و آگاهی نسبت به میزان تأثیر اعمال دنیوی در جهان آخرت، هدایت بخش و روشنگر حیات آدمی است چنانکه غفلت از آن سبب تباهی زندگی می‌گردد. از جمله مهمترین تعالیم ملکوتی انبیاء علیهم السلام بیان کیفیت ارتباط تنگاتنگ زندگی دنیا و آخرت است تا مؤمنان از رهگذر ایمان و عمل به این تعالیم، به عاقبت اندیشی و در نهایت سعادت و کمال رهنمون شوند.

خداوند در قرآن کریم، به این دغدغه پاسخ گفته و در آیات روح بخش خود، به تبیین نسبت میان دنیا و آخرت پرداخته است. در این میان، آیه هفتم مبارکه سوره روم (يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ) از جمله آیاتی است که از وجود جهانی ماوراء ظاهر دنیا سخن به میان آورده و غفلت از همین وجه را سبب خسران مشرکان دانسته است. این مقاله به روش کتابخانه‌ای و با جستجو در منابع تفسیری فریقین در پی پاسخ به این پرسش هاست که در آیه مبارکه ۷ روم چه نسبتی میان دنیا و آخرت برقرار است؟ مفسران اسلامی با واکاوی مفردات و قرائن پیوسته و ناپیوسته آیه به چه تفسیری از فراز شریفه رسیده‌اند؟ ماهیت حیات دنیوی چیست و مناسبات میان دنیا و آخرت به چه صورت است؟ هر چند منابعی چون کتاب «دنیا و ارتباط آن با آخرت از نگاه قرآن» نگاشته دکتر فضل الله روزبهی و یا مقاله «تحلیلی بر نسبت دنیا و آخرت و دلالت‌های تربیتی آن» به قلم

۱ - طلبه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی موسسه معصومیه خواران قم - abolhasani.n62@gmail.com

۲ - طلبه سطح سوم رشته فقه و اصول، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام قم - 11maboalhasani@gmail.com



یاسر ملکی مرتبط با مقاله حاضر وجود دارد، لیکن پژوهشی مستقل با عنوان بررسی نسبت شناسی دنیا و آخرت در آیه ۷ روم با تمرکز بر ابعاد مختلف آیه جهت ارائه الگویی برای تقویت زیست مؤمنانه جامعه اسلامی یافت نشد که همین وجه، مقاله حاضر را از دیگر مکتوبات متمایز می‌گرداند. بدیهی است نسبت سنجی میان دنیا و آخرت و تبیین دقیق زوایای آن در پرتو قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) بیش از پیش، ضروری است، چرا که با وجود ترویج دنیا‌گرایی روزافزون از سوی غرب و شبهات دشمنان اسلام نسبت به عالم آخرت، آگاهی بخشی در این زمینه، غبار از چهره باورهای القایی دروغین زوده، و انسان مدرن را از دنیا‌گرایی و مقهور شدن به لذات مادی دور می‌دارد تا علم و عملش را در خدمت اعتلای زندگی اخروی معطوف دارد.

۱. ساختار شناسی آیه

سوره روم از سوره مکی و در چینش کنونی مصحف، سی امین سوره از قرآن مجید است که به مسائل مهمی چون وعده نصرت الهی، تبیین بخشی از قوانین تشریعی و تکوینی و ... پرداخته است. در این قسمت، با بررسی ابعاد مختلف هفتمین آیه از این سوره همانند ارتباط با آیات همجوار و شناخت مفردات کلیدی، به تبیین ساختار آیه پرداخته شده است.

۱-۱. ارتباط شأن نزول سوره با آیه مورد بحث

الم (۱) غَلَبَتِ الرَّومُ (۲) فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۳) فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۵) وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶) يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (۷)

2

به اتفاق مفسرین آیات نخستین این سوره بدین سبب نازل شد که هنگام حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اقلیت مؤمنان در مکه، ایرانیان (مجوس) در جنگ با رومیان (اهل کتاب) پیروز گشتند. مشرکان مکه با استناد به این اتفاق، چنین استدلال کردند که پیروزی نهائی از آن شرک است و طومار اسلام به زودی پیچیده خواهد شد. در این بستر تاریخی، آیات ابتدایی سوره روم نازل شد؛ در شش آیه نخست، خداوند با اشاره به قطعیت تحقق وعده الهی و سنت امداد مستمر مؤمنان، نوید غلبه روم بر ایران را در آینده ای نزدیک، بیان می‌دارد تا بدین سبب جنگ روانی مشرکان و تفأل بی اساس ایشان را در هم شکند. در پی این پیشگویی است که در آیه هفتم، آگاهی مشرکان به امور و اتفاقات این عالم همانند تصور آنان درباره افول اسلام و پیروزی شرک،

دانشی سطحی و ظاهری قلمداد شده که آنان را از توجه به اصالت آخرت که به منزله باطن و وجه حقیقی این دنیا است محروم کرده است.

۲-۱. مفهوم شناسی واژگان آیه

تحلیل صحیح معنایی یک عبارت از رهگذر فهم دقیق واژگان و بررسی وجوه مختلف آنها صورت می‌پذیرد؛ در این راستا پیش از بیان نکات تفسیری آیه به بررسی مفاهیم واژگان دنیا و آخرت و ماهیت هر یک از آن دو، در لسان آیات و روایات پرداخته شده است.

۱-۲-۱. دنیا

واژه "دنیا"، مؤنث ادنی و صفت تفضیل است. اگر اصل این کلمه را از ریشه «دنو» بدانیم، معنای آن نزدیکتر و اگر برگرفته از «دئانت» بدانیم، به معنای پست‌تر می‌باشد. از دیدگاه برخی لغویون «دنیا» به سبب نزدیک بودنش به ما، به این اسم نامیده شده

۱ - بستانی، ۱۳۷۵، ش، ص ۳۹۹

۲ - قرشی، ۱۳۷۱، ش، ج ۲، ص ۳۶۲



است و برخی دیگر نیز دنیا را نقیض آخرت و اسم برای این زندگی می‌دانند چرا که آخرت از آن دور است.^۱ این کلمه در قرآن کریم بیش از صد و پانزده بار استعمال شده است که در همه موارد صفت زندگی کنونی است جز در چهار مورد که در یک آیه شریفه، صفت العدوه (کنار بیابان) و سه آیه دیگر وصف السماء به کار رفته است. از نظر قرآن، انسان دارای دو زندگی دنیوی و اخروی است که زندگی او در عالم آخرت متناسب با عقاید، ایمان، ملکات و اعمال او در این دنیا شکل خواهد گرفت. حضرت علی (علیه السلام) درباره وجه نامگذاری دنیا فرموده است:^۲

«دنیا را دنیا نامیده‌اند چون از همه چیز پست‌تر است و آخرت را آخرت نامگذاری کرده‌اند چرا که جزاء و ثواب مربوط به آنجاست.»

۱-۲-۲. آخرت

در کتب لغت «آخر» ضد مقدم و خلاف اول،^۳ و واژه آخرت، مؤنث آخر- به معنای پسین و بازپسین- در مقابل اولی یا دنیا به معنای سرای نخستین و نیز دار بقاء نامیده می‌شود.^۴

قیامت و جهان پس از مرگ، به دار الآخرة که حیاتی ثانوی است تعبیر شده همانطور که حیات دنیوی و این جهان را به دار الدنیا، تعبیر کرده‌اند.^۵ آخرت در برخی آیات، به عنوان صفت یا مضاف الیه «دار» و نیز صفت «حیاه» قرار گرفته است و در موارد متعددی در مقابل دنیا استعمال شده است.

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ به سؤال یزید بن سلام درباره وجه تسمیه دنیا و آخرت فرموده‌اند:

«دنیا را چنین نامیده‌اند چون دنیا پست است و پایین‌تر از آخرت آفریده شده است. اگر همپایه با آخرت آفریده شده بود، اهل آن فانی نمی‌شدند، همچنان که اهل آخرت چنانند... و آخرت نیز به این سبب که متأخر است و بعد از دنیا فرا می‌رسد، سالهایش به وصف نیاید و روزهایش بی شمار است و ساکنانش نمی‌میرند.»^۶

۱-۳-۳. ماهیت شناسی حیات دنیوی و اخروی

در آیات و روایات اسلامی، ویژگی‌های گوناگونی از زندگی دنیوی و اخروی ترسیم شده است. معرفی این توصیفات، علاوه بر شناخت بهتر ماهیت آنان، به درک کامل‌تر مناسبات میان دنیا و آخرت منجر می‌شود. در این قسمت به طور خلاصه به برخی از ویژگی‌های حیات مادی در آیات و روایات و ارتباط آن با آخرت اشاره گردیده است.

۱-۳-۱. تقسیمات حیات دنیوی

«حیات و امکانات دنیوی» در آیات نورانی کلام الهی و نیز بیانات گهربار معصومین (علیهم السلام) گاه مورد ستایش و گاه مورد نکوهش قرار گرفته است. در واقع نظر به اینکه انسان‌ها با توجه به غایت زندگی، چه تعاملی را با واقعیات دنیا برقرار کنند دارای

۱- ابن فارس، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۲، ص ۳۰۳؛ صاحب، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۹، ص ۳۶۲؛ جوهری، ۱۳۷۶ ه. ق، ج ۶، ص ۲۳۴۱

۲- ابن منظور، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۸، ص ۷۵؛ ازهری، ۱۴۲۱ ه. ق، ج ۱۴، ص ۱۳۳؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ ه. ق، ج ۹، ص ۴۳۲؛ حمیری، ۱۴۲۰ ه. ق، ج ۴، ص ۳۱۷۱؛ طریحی، ۱۳۷۵ ه. ش، ج ۱، ص ۱۴۹

۳- انفال: ۴۲

۴- صافات: ۶؛ فصلت: ۱۲؛ ملک: ۵

۵- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲

۶- ازهری، ج ۷، ص ۲۲۷؛ فراهیدی، ج ۴، ص ۳۰۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱، ص ۷۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۴، ص ۱۲

۷- جوهری، ۱۳۷۵ ه. ش، ج ۲، ص ۵۷۶؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ ه. ق، ج ۵، ص ۲۳۷؛ حمیری، ۱۴۲۰ ه. ق، ج ۱، ص ۲۰۳؛ فیروز آبادی، ۱۴۱۵ ه. ق، ج ۲، ص ۵

۸- راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۱، ص ۱۶۰

۹- مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۹، ص ۳۰۵؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵ ه. ش، ج ۱، ص ۲

دنیا‌های متفاوتی می‌شوند که از آن به "دنیا‌ی ممدوح و یا مذموم" یاد می‌شود. شناخت این مفاهیم، به فهم بهتر از آیه مورد بحث کمک خواهد رساند.

الف (دنای ممدوح

خداوند بر اساس حکمت بالغه خویش، نظام آفرینش را جهت سعادت‌مندی بهترین مخلوقاتش آفریده‌است و از آن جاکه زشتی و نقص در ذات احدیت راه ندارد تمام هستی بر پایه مسیری مشخص و تدبیری متقن پدید آمده‌اند. در جهان‌بینی اسلامی، دنیا از آخرت منفصل نیست بلکه ابزاری برای کسب درجات قرب خداوند و یاری‌گر سعادت اخروی است آنچنان که امام باقر (علیه‌السلام) دنیا را «بهترین کمک» برای رسیدن به آخرت، معرفی می‌کند.^۱

مولا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از دنیا به سجده‌گاه دوستان خدا، فرودگاه وحی الهی، تجارت‌گاه اولیاءالله^۲، گذرگاه فرصت‌ها،^۳ آزمونگاه اراده‌ها و ... یاد کرده‌است و این نکته را به انسان‌ها یادآور می‌شود که از همین دنیای فانی باید برای سرای باقی توشه برگرفت: «فَتَرَوْهَا فِي الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ أَنْفُسَكُمْ بِهَا غَدًا».

در این عبارت، به صراحت آمده‌است که توشه آخرت «فی الدنیا» و «من الدنیا» است.

در نتیجه بنا بر مآثورات روایی، دنیا گذرگاهی است که می‌توان در آن بهترین توشه‌ها را برای سفر همیشگی آخرت کسب کرد و این انسان است که می‌تواند با اعمال صالح، فرصت اندک و محدود عمر خود را در کسب رضای الهی و کسب نعمت سرمدی به کار بندد، همان طور که اولیاءالله از همین دنیا برای سرای آخرت خود خوشه برچیده‌اند.

4

ب (دنای مذموم

در لسان قرآن کریم حیات دنیوی با اوصافی چون عارضی،^۴ وسیله سرگرمی^۵، متاعی اندک و ناچیز^۶، سبب غرور و اغفال^۷ و مایه غفلت از یاد خدا^۸ معرفی شده‌است. توجه به این نکته ضروری است که اساساً بدبینی به آفرینش و نظام هستی با هسته مرکزی اسلام که توحید است، سازگار نیست. قرآن نظام دنیا را اعتباری دانسته که سرانجام باید به نظام حقیقی منتهی شود لذا آنچه مذموم شمرده شده "اصالت بخشیدن انسان به دنیا و هدف دانستن آن" است که سبب غفلت و فراموشی سرای جاودان و خسران ابدی است. شهید مطهری^(۹) در این باره می‌نویسد:

«آن چیزی که از قرآن کریم استفاده می‌شود این نیست که اساساً علاقه و محبت به کائنات بد است، و راه چاره هم این تعیین نشده که علایق و محبت‌ها را باید سرکوب کرد. آنچه قرآن آن را مذموم می‌شمارد علاقه به معنی بسته بودن و دلخوش بودن و قانع بودن و رضایت دادن به امور مادی دنیوی است... قرآن کریم از نظر جهان، نشأت وجود را منحصر به نشئه مادی و دنیوی نمی‌داند؛ با اعتراف به

۱ - حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۱۷، ح ۵،

۲ - نهج البلاغه حکمت ۱۳۱: مَسْجِدٌ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلًى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مُتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ

۳ - همان، حکمت ۲۱

۴ - همان، خطبه ۱۹۴

۵ - همان، خطبه ۶۴

۶ - سوره نساء: آیه ۹۴ «تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ»

۷ - سوره حدید: آیه ۲۰ «أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ...»

۸ - توبه: آیه ۳۸ «فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ»

۹ - سوره مبارکه آل عمران: آیه ۱۸۵. «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»

۱۰ - سوره نور: آیه ۳۷. «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ».

عظمت این دنیا در درجه ای که هست، به نشئه ی دیگر که بسی عظیم تر و وسیع تر و فسیح تر است قائل است، نشئه ی دنیا در برابر او چیزی به شمار نمی رود. قهراً این انسان با این اهمیت نباید هدف نهایی خود را دنیا و مادیات قرار دهد و خود را به دنیا بفروشد. امیرالمؤمنین علیه السلام بدترین تجارت را اینگونه وصف می فرماید: «چه تجارت بدی است که دنیا را ارزش خود دانی، و آن را عوض آنچه نزد خدا برای تو مهیاست قرار دهی!»

آنگاه که تعلق نفس به امور دنیوی فزونی گیرد با افزایش حجابها و طغیان مظاهر نفسانی، غفلت از یاد خدا و سرای بازی سنین شدت می یابد و بدین گونه بشر خلیفه الله، از سیر به سوی ملکوت و و نعمت های پایان ناپذیر بهشتی، محروم و استعدادهای او با دلبستگی به زینت های دنیا مستهلک می گردد.

علامه طباطبایی (ع) در تفسیر آیه شریفه «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ، لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^۲ اصلتمندی حیات اخروی را چنین بیان می فرماید:

«یکی از مصادیق لهو، زندگی مادی دنیاست، برای اینکه آدمی را با زرق و برق خود و آرایش فانی و فریبنده خود از زندگی باقی و دائمی بازمی دارد و نیز به اعتباری لهو است، برای اینکه فانی و زودگذر است... به خلاف زندگی آخرت، که انسان در آن عالم با کمالات واقعی که خود از راه ایمان و عمل صالح کسب کرده زندگی می کند و مهمی است که اشتغال به آن آدمی را از منافی بازمی دارد چون غیر از آن کمالات واقعی واقعیت دیگری نیست و جدی است که لعب و لهو و تأثیر در آن راه ندارد، بقایی است که فناپذیر با آن نیست، لذتی است که با آلم آمیخته نیست سعادت است که شقاوتی در پی ندارد پس آخرت، حیاتی است واقعی و به حقیقت معنای کلمه.» خداوند با تذکر به «خیر و ابقی» بودن سرای آخرت، انسانها را دعوت به تفکر فرموده است:

«وَمَا أَوْتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَلْبَسُوا ثَغْلُونَ»^۳

5

از مجموع آنچه بیان شد به دست می آید که آنچه که از دیدگاه اسلام مذموم است «وجود فی نفسه دنیا» و یا «تمایلات و علایق طبیعی و فطری» انسان نیست چرا که حیات و سعادت اخروی انسان در گرو نحوه زیستن در این دنیا و انتخاب های اوست. دنیای مذموم

دنیایی است که استقلالاً مورد نظر باشد اما در صورتی که به عنوان ابزار و برای رسیدن به هدف نهایی مورد بهره برداری قرار گیرد نکوهیده نیست بلکه ممدوح نیز می باشد. در نتیجه دنیا نقش آلی دارد نه اصلی و مطلوب بالعرض است نه بالذات.

۱-۳-۲. نسبت هستی شناسانه دنیا و آخرت

سخن در این است که میان دو جهان، چه نسبت هستی شناسانه ای برقرار است؟ آیا رابطه ای متمایز از هم دارند و یا رابطه ای حقیقی میان دو جهان حاکم است؟

بنا بر نظریه ای، جهان آخرت در حال حاضر وجود ندارد و پس از ویران شدن جهان پدید می آید. در پاره ای از اوصاف، متمایز از دنیاست، اما همانند دنیا در بند محدودیت های ماده و جهان طبیعت است.^۴

بنا بر نظریه دیگر، جهان آخرت در حال حاضر در همین نظام کیهانی و جهان طبیعت وجود دارد و وجودش مادی است.

بنا بر نظریه سوم، آخرت در حال حاضر وجود دارد اما یک وجود فراطبیعی که از اوصاف، حدود و قیود جهان طبیعت، بیگانه است.

بنا بر دو نظریه ابتدایی، رتبه وجودی میان دنیا و آخرت همسان و مادی است اما بنا بر نظریه سوم، رتبه وجودی آخرت، متمایز از دنیا و فراتر از آن است. بنا بر آیات و روایات اسلامی، جهان آخرت دنیایی فراتر و احاطه گر بر عالم دنیاست و تمایز این دو جهان، نه به جهت زمان که به جهت رتبه وجودی دنیا و آخرت است و آیه کریمه هفتم روم این قول را تأیید می کند.

۱ - وَ لَبِئْسَ الْمَتَجَرُّونَ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ تَمَنّاً وَ مِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَوْضاً» نهج البلاغه ، خطبه ی ۳۲

۲ - سوره عنکبوت: آیه ۶۴

۳ - سوره قصص: آیه ۶۰

۴ - قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۲۰۵

۲-ر.ک: مسعود تاج آبادی، معادشناسی، صص ۷۵-۷۶

۲. دلالت های تفسیری آیه

هفتمین آیه از سوره مبارکه روم در فرازی کوتاه به بیان نسبت شناسی میان دنیا و آخرت پرداخته است. جهت تبیین بهتر بحث، آیه شریفه در دو قسمت علم به ظاهر حیات دنیوی و غفلت از حیات اخروی دسته بندی و ارائه شده است.

۲-۱. فراز اول: علم به ظاهر حیات دنیوی

مفسران بزرگ اسلامی در تفسیر فراز شریفه «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» بیانات گوناگونی داشته اند. در این قسمت با بررسی نظر مفسرین فریقین ذیل دو مفهوم «علم و ظاهر» به تبیین وجوه مختلف فراز شریفه پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۱. معنانشناسی واژه يعلمون

زمخشری جمله " يعلمون" حم را بدل از جمله " لا يعلمون" در آیه قبل دانسته و با ذکر این قاعده که هر جا بدل در کلام آید " مبدل منه" آن در حکم سقوط است چنین نتیجه می گیرد که براین اساس، تفاوتی میان دانستنی که محدود به امور مادی است با ندانستن وجود ندارد.^۲ بعضی دیگر از مفسرین، "جمله مذکور را استثناء و بیانگر سبب جهل این افراد می دانند یعنی ناآگاهی ایشان نسبت به حقانیت وعده خدا و اینکه امر - چه قبل و چه بعد - به دست اوست و مؤمنین را علیه کفار یاری خواهد کرد.^۳ در واقع این نوع کاربرد نشانگر آن است که علم ایشان در برابر علم صحیح و حقیقی - که از باور یقینی به مبداء و معاد نشأت می گیرد- همانند جهل است.^۴

۲-۱-۲. معنانشناسی واژه ظاهر

6 صاحب مقایس اللغه، گوهر معنایی ماده «ظهر» را قوت و بروز دانسته است: «الظاء و الهاء و الراء، أصلٌ صحيحٌ واحدٌ يدلُّ على قوَّة و بروز». «ظهر هر شیء در اصل به این معناست که چیزی بر روی زمین واقع شده و پنهان نباشد کسپس در مورد هر چیز آشکاری که با بینایی یا بینش درک شود استعمال شده است. گاهی از «ظاهر و باطن»، امور دنیوی و اخروی و گاهی نیز معارف آشکار و پنهان و یا علوم مربوط به دنیا و آخرت قصد می شود... آیه يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۷ روم) یعنی امور دنیایی را بدون امور اخروی می دانند و می فهمند.^۷ واژه «ظاهر» به معنای خلاف باطن، پیدا، هویدا و آشکار است و تمامی معانی و کاربردهای آن به مفهوم یادشده باز می گردد.^۸

علامه طباطبایی^(ره) ذیل فراز کریمه می نویسد:

«ظاهر حیات دنیا، در مقابل باطن آن، همان چیزهایی است که از زینت زندگانی دنیوی با حواس ظاهریشان احساس می کنند؛ این احساس آنها را به دل بستگی و ملازمت همیشگی و جاودانگی این دنیا رهنمون می کند و سبب فراموشی آنها از جهان ماوراء این ظاهر و غفلت از خیرات و منافع واقعی شده است.»^۹

۱ - وَعَدَ اللَّهُ، لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سوره روم : آیه ۶)

۲ - زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۶۸

۳ - سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۷۵۸

۴ - صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۲۳، ص ۱۱۸

۵ - ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۷۱

۶ - ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۲۸۵

۷ - راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۴۰

۸ - مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲۲

۹ - طباطبایی، همان

دیگر مفسران فریقین نیز، مقصود از علم به ظواهر دنیا را آگاهی و مشغولیت یکجانبه به امور زندگانی چون «تدبیر معاش، تجارتگری و خرید و فروش، آبادانی عمارات، رسیدگی به امور مزارع در کاشت و برداشت محصولات» تعریف کرده‌اند. با این اوصاف، انسان‌های دنیازده چنین حاذق‌اند که اگر درهمی را بر پشت خویش بگذارند از وزن و میزان ارزش آن خبر می‌دهند و آنچنان ظواهر محدود زندگی دنیوی برایشان بزرگ جلوه کند که تمام تلاش و همت خود را صرف آن می‌کنند و به جهت اکتفاء به ظواهر، درکی از «حکمت وجود زندگی دنیا» ندارند. اکثر مردم این چنین بوده و از معرفت حقیقی به ماهیت دنیا به دورند و تنها مؤمنان که جمعیتی اندک هستند، دید صحیحی به زندگی دنیا دارند.^۳

صاحب تفسیر محررالوجیز با بیان اختلاف معنایی مفسرین در کلمه «ظاهر»، با استناد به شعری یکی از معانی این واژه را، «زوال و زودگذری» نام برده و چنین تفسیر می‌کند که این افراد نسبت به امور دنیا، چیزهایی را می‌شناسد که زائل و ناپایدار است.^۴ علامه طباطبایی (ره)^۵ این وجه معنایی از واژه ظاهر را غیر متداول و شاذ الاستعمال دانسته است.^۵ به نظر می‌رسد تفسیر واژه ظاهر به «لذات و منافع دنیوی» و واژه آخرت به «ضرر و رنجهای آن»، از سوی عده‌ای از مفسرین نیز با معنای حقیقی این دو واژه و سیاق کلی آیه تناسب ندارد.^۶

۲-۲

فراز دوم: غفلت از حیات اخروی

خداوند در دومین قسمت از آیه شریفه مبارکه ۷ روم (وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ)، پس از بیان دل‌بستگی دنیازدگان به ظواهر دنیا و مشغولیت همیشگی ایشان به مادیات، به غفلت این گروه از «آخرت» اشاره می‌کند.

۲-۲-۱. مفهوم شناسی غفلت

در معاجم لغوی برای ماده «غفل» معانی متعددی ذکر شده است:

- ۱- رها کردن چیزی در اثر سهو و بی‌خبری^۷
- ۲- پنهان شدن چیزی از ذهن انسان و عدم یادآوری آن^۸
- ۳- عدم درک چیزی که حقیقت ادراک است^۹
- ۴- عدم یادآوری (فقدان صورت ذهنی)^{۱۰}

- ۱- ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۱۶؛ مراغی، ق ۱۴، ج ۲۱، ص ۲۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۲۴۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۰۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۱۷؛ سبزواری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۱۰؛ مکارم، ۱۳۷۴ق، ج ۱۶، ص ۳۶۵؛ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۳۱؛ قمی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۰، ص ۱۷۶؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۲۹۵
- ۲- آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۲۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۲۷۴؛
- ۳- سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۷۵۸
- ۴- و غیرها الواشون أنى أحبها و تلك شكاة ظاهر عنك عارها : سخن چینیان محبوبه مرا سرزنش کردند به اینکه من او را دوست می‌دارم و ننگ این سرزنش از محبوبه من زایل شدنی است : ابن عطیه اندلسی ، ۱۴۲۲ق ، ج ۴ ، ص ۳۲۹
- ۵- طباطبایی، ۱۴۱۷ق ، ج ۱۶ ، ص ۱۵۷
- ۶- طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۴۶۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۸۲
- ۷- ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۸۶
- ۸- فیومی، ج ۲، ص ۴۴۹
- ۹- زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۵۸۴
- ۱۰- مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۲۹۹

واژه «غفلت» به معنای عدم توجه و ناآگاهی و زمانی حاصل می‌شود که چیزی حاضر باشد ولی انسان آن را فراموش کند.^۱ سید فضل الله در تفسیر این عبارت نورانی به کیفیت غفلت مخاطبین آیه پرداخته است:

«توجه این افراد صرفاً به جنبه مادی مرتبط با امور است و از جنبه‌های روحانی نهفته در معنای غیب که مشرف به افق‌های وسیع الهی و فراتر از دنیاست غافلند. بنابراین، دغدغه‌های زندگی دنیوی، آنان را از اندیشیدن به آخرت، باز می‌دارد. اگر مردم اندیشه‌های خود را به سوی آگاهی و علمی ایمانی به کارگیرند از مسیر صحیح زندگی دور می‌گردند. این آیات متوالی برای توجه افراد به ساحت تفکر و دوری از غفلت است.»^۲

۳. دلالت‌های بلاغی آیه

برخی از مفسران فریقین، علاوه بر توجه به نکات تفسیری آیه به بیان برخی از صنایع ادبی فراز کریمه نیز پرداخته‌اند.

الف (قرینه‌تقابل

مقصود از قرائن، اموری است که به گونه‌ای ارتباط لفظی یا معنوی با کلام داشته و در فهم مراد گوینده مؤثر است. از میان قرائن مختلف سخن، قرینه‌تقابل، از قرائن لفظی و پیوسته و به معنای استنباط یک معنا از تقابل میان دو لفظ است. آیت الله جوادی آملی با توجه به «قرینه‌تقابل دنیا و آخرت» در آیه چنین می‌فرماید:

«این آیه ظاهر حیات دنیوی را در مقابل آخرت قرار داده یادآور می‌شود که مشرکان به ظاهر حیات دنیوی آگاه و از جهان آخرت غافلند. «قرینه‌تقابل» اقتضا دارد که در آیه، ظاهر حیات دنیوی در مقابل باطن حیات دنیوی قرار داده شود نه در برابر آخرت. به بیان دیگر قرینه‌تقابل اقتضاء می‌کند جمله «و هم عن الاخره هم غافلون» به صورت «و هم عن باطنها غافلون» بیان شود زیرا با ظاهر

8

حیات دنیوی، باطن آن تقابل دارد اما در آیه واژه آخرت به جای واژه باطن به کار رفته است تا یادآور شود آخرت، باطن حیات دنیوی است چرا که صرف نظر از این نکته، کاربرد واژه آخرت به جای باطن موجه نمی‌نماید. «^۳

این نکته قابل توجه است که استعمال واژه غفلت در صورتی است که متعلق غفلت، موجود و شناخت پذیر باشد اما در مورد جهل به شیء معدوم، کاربرد واژه غفلت موجه نیست.»^۴

صاحب تفسیر بیان السعاده در رابطه با کاربرد واژه «غفلت» به جای «جهل» می‌نویسد:

«استعمال واژه غفلت به جای جهل، اشعار به این مطلب دارد که با وجود آثاری که در عالم وجود دارد نشانه‌های آخرت برای همه آشکار است لذا عدم توجه به این نشانه‌ها از روی غفلت است نه جهل.»^۵

بر طبق مضمون آیه مورد بحث، دنیا ظاهری دارد و باطنی. باطن و حقیقت دنیا همان آخرت است که انسان‌ها به واسطه اطاعت و انجام اعمال صالح از آن توشه بر می‌گیرند؛ لیکن ظاهرگرایان از این جنبه که حلقه‌ای از سلسله هستی و صورتی از صفحات وجود است غافلند و همین ناآگاهی و سطحی‌نگری تصوّر صحیح را از آنها ربوده‌است چرا که یاد آخرت، نگرش انسان به حوادث دنیایی

۱ - بستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۴۳

۲ - قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۱۱

۱ - محمدحسین فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۸، ص ۱

۴ - بابایی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰

۵ - ر.ک: جوادی آملی، «تفسیر سوره اعراف» جلسه ۲۳۴؛ «تفسیر سوره نحل»، جلسه ۸۴، برگرفته از سایت اسراء: WWW

esra.ir

۲ - ر.ک: طباطبایی، مجموعه رسائل، ج ۲، ص ۲۹

۷ - گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۱۴

۸ - زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۶۸



را تغییر می‌دهد. دنیا و احوال آن از عالم شهود و پیدا و آخرت و پدیده‌های بیمناک آن از عالم غیب و ناپیدایی است که تنها از طریق وحی درک می‌شود و حال آنکه ظاهرگرایان به این حقیقت (مدرک از وحی) ایمان ندارند پس از کجا به آخرت آگاهی یابند؟^۲ آیت الله مکارم شیرازی با مقایسه دو بینش توحیدی و مادی ذیل آیه مبارکه نگاهشته‌است:

«اصولاً بینش یک انسان مؤمن و الهی با یک فرد مادی یا مشرک تفاوت بسیار دارد. اولی طبق عقیده توحیدی جهان را مخلوق خداوند حکیم و آگاهی می‌داند که تمام افعالش روی حساب و برنامه است و به همین دلیل معتقد است که جهان مجموعه‌ای است از اسرار و رموز دقیق، هیچ چیز در این عالم ساده نیست، همه کلمات این کتاب پر محتوا و پر معنی است. او همیشه به عمق این جهان می‌نگرد و به ظواهر آن قانع نیست، او این درس را در مکتب توحید خوانده است، او برای عالم هدف بزرگی قائل است و همه چیز را در دایره آن هدف می‌بیند... در حالی که یک فرد مادی و بی‌ایمان دنیا را مجموعه‌ای از حوادث کور و کر و بی هدف می‌شمرد و جز به ظاهر آن نمی‌اندیشد. اصلاً برای آن باطن و عمقی قائل نیست، مگر می‌توان برای کتابی که مجموعه خطوط آن همان چیزی است که کودکی با حرکات بی هدف دست خود به روی کاغذ به وجود آورده است اهمیت و عمقی قائل شد؟!»^۳

ب) فن تعطف

«صنعت تعطف» به معنای تکرار لفظی یک کلمه در نثر یا نظم است.^۴ در آیه شریفه «وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»، ذکر مجدد ضمیر فصل «هم» برای تأکید حکم و توجه دادن به حصر است.^۵ این مطلب را برساند که غفلت از جانب خود این افراد است و گرنه اسباب تذکر بر ایشان همواره وجود دارد، درست مثل اینکه کسی به ما بگوید: مرا از این امر تو غافل کردی، و در جواب بگوئیم: تو خودت غافل شدی، یعنی سبب غفلت خودت بودی.^۶

9

بنابراین با وجود تکرار ضمیر فصل، غفلت و محرومیت از نعمات اخروی، نتیجه انتخاب و اعمال خود انسانهاست و خداوند جز سعادت و خیر برای بندگانش نخواست است.

ج) تنکیر

برخی از مفسرین اسلامی با استناد به ساختار نکره واژه "ظاهراً"، غرض از ذکر آن را، «تحقیر» و یا «تخصیص» دانسته اند؛ براین اساس علم آنها به ظاهری حقیر و پست از دنیا تعلق گرفته و تنها به جنبه ظاهری و سطحی دنیا معطوف است.

۴. دلالت‌های روایی آیه

معصومین علیهم السلام به عنوان تبیین گر معارف نورانی کلام الهی، جهت تهذیب روح بشر و تربیت معنوی جامعه ایمانی با بیان مصادیقی ملموس به ترسیم علم ظاهری دنیاپرستان پرداخته اند:

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) در تبیین این آیه شریفه «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» به ابن مسعود فرموده‌اند: ای یبنون الدّور ویشیدون القصور و یزخرفون المساجد لیست همّتهم إلا الدّنیا، عاکفون علیها، معتمدون فیها، ألّهتهم بطونهم»^۷ خانه بنا می‌کنند و

۱ - ر.ک: سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۷۵۸

۲ - مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۱۳۰

۳ - مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۶، ص ۳۶۷

۴ - درویش، ۱۴۱۵ه، ج ۷، ص ۴۷۳

۵ - ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۱۷

۶ - فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۸۱؛ مکارم شیرازی، همان، ص ۳۶

۷ - طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۵۷

۸ - آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۲۳

۹ - فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۶، ص ۲۰۸



کاخها را محکم می کنند، مسجدها را آرایش دهند ولی همتشان جز دنیا نیست. اعتکاف در آنها می کنند، در آنها سقف بنا می کنند، خدایانشان شکمهایشان باشد:

-علی بن ابراهیم: یَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا يَعْنِي مَا يَرَوْنَهُ حَاضِرًا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ، قال: يرون حاضر الدنيا، و يتغافلون عن الآخرة. یعنی تنها به ظواهر دنیا توجه دارند و از آخرت غفلت می ورزند.
-امام صادق (علیه السلام) نیز در پاسخ به این سؤال که مقصود از عبارت «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» چیست؟ فرمودند: الزَّجْرُ وَ النَّجْوَى. یعنی «تفأل به خیر و شرو منجمی از روی ستارگان».

۵.۵ دلالت های تربیتی آیه

قرآن کریم به عنوان کامل ترین مرجع هدایت برای تمامی قرون، جامع ترین اهداف و روش های تربیتی را چه در حوزه فردی و چه در بستری اجتماعی ارائه کرده است. یکی از این آموزه ها، آشنایی مخاطبین با ماهیت فناپذیری دنیا، اثبات اصلتمندی سرای آخرت و دعوت به تفکر در باره حقیقت هر یک از آندوست. بر اساس آیه شریفه ۷ روم و دیگر آیات مشابه و نیز در پرتو کلام معصومین علیهم السلام، با سنجش دنیا و آخرت و سریان معادباوری در تمامی شئون زندگی به آثار تربیتی فراوانی می توان دست یافت که به چند نمونه از آنان اشاره خواهد شد.

۵-۱. نصرت مستمر الهی

باورمندی به معاد، نقش مهمی در انتخاب مسیر صحیح در موقعیت های مختلف زندگی ایفا می کند. طبق نقل مفسرین درباره شأن نزول آیات ابتدایی سوره روم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یارانش در شرایطی طاقت فرسا همراه با محدودیت های سخت مشرکان مکه، با تمام توان، نهال تازه ای اسلام را تبلیغ می کردند. در همین فضا، جنگ نرم مشرکان در تطبیق واقعه غلبه ایرانیان بر رومیان به عنوان نماد پیروزی 10 همیشه کفر بر اسلام، مسلمانان را در تنگنایی فزونی تر قرار داد لیکن نور یقین به خدایی شکست ناپذیر و ایمانی پایدار به سرایی جاودان وراء دنیای کنونی بود که برای آنان نصرت و تأیید الهی را به ارمغان آورد: بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۵ روم)

علاوه بر آیه مورد استشهاد، دیگر آیات کریمه الهی چون ۵۱ سوره غافر، نصرت الهی را علاوه بر دنیا در آخرت نیز مشمول حال مومنان برشمرده است: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»
ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند (در آخرت) یاری می دهیم!
بنا بر اذعان آیات و روایات، افرادی که تحت ولایت الهی قرار دارند از تمامیت عقل علمی و عملی بهره مند گشته و فرجام کار آنان به نصرت و استمداد الهی نصرت و غلبه است.

۵-۲. بینش جامع توحیدی

حدود یک سوم از تعداد آیات قرآن به مسئله معاد و ویژگی های پیرامون آن اشاره دارد. این حجم از توجه، نشانگر آنست که ساختار وجودی انسان به تمایز گوهر عقل، فراتر از بهائم و دارای بعدی ملکوتی است و شایسته نیست که در محدوده دنیا و لذتهای زودگذر آن محصور گردد. خداوند در آیه ۲۴ سوره مبارکه جاثیه، اندیشه نیاززدگان را چنین وصف می فرماید:
«وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ»
گفتند: «زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیای ما نیست که می میریم و زندگی می کنیم، فقط همین روزگار است که ما را از بین می برد. آنان درباره آنچه که می گویند هیچ علمی ندارند و فقط حدس و گمان می زنند.
بنا بر آیات شریفه ۶ و ۷ روم، علم به ظواهر دنیای مادی بدون لحاظ آخرت در رتبه جهل و همانند آن است و انسان را از بینش صحیح توحیدی باز می دارد و در نقطه مقابل، ایمان به وعده های الهی و تفکر در فلسفه خلقت، فرد را از غرور و غفلت رهانیده به گونه ای که هر حرکتی را در

۱- بحرانی، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص: ۳۳۸، قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۱۵۳

۲- عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۷۰ و نیز مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷، ص ۱۹



منظومه هستی، معنادار و مؤثر در سعادت اخروی قلمداد می کند. به یقین میزان شدت و ضعف چنین بینشی، رابطه ای مستقیم با نحوه زیست افراد جامعه اسلامی دارد و مسیری متفاوت را برای آنان رقم خواهد زد.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) یاد مرگ را برترین تفکر معرفی کرده و چنین تذکری را بستری رغبتی به مظاهر حیات دنیوی دانسته اند: «برترین زهد در دنیا یاد مرگ است؛ برترین عبادت یاد مرگ است؛ برترین تفکر یاد مرگ است؛ کسی که سنگینی یاد مرگ را احساس کند (یاد مرگ بر او اثر گذارد) قبر خود را باغی از باغ های بهشت می یابد.»^۱

۳-۵. التزام عملی به اوامر الهی

غفلت از روز باز پسین، مظاهر فانی دنیا را در نظر انسان زیبا و با ارزش جلوه داده و بالتبع سبب حاکمیت خواسته های نفسانی بر عقل به عنوان منبع شناخت می گردد تا آنجا که انسان از درک واقعیات امور و اتیان اوامر الهی بازمی ماند. خداوند در آیات ابتدایی سوره روم پس از بیان قطعیت اراده الهی و نوید شادی مؤمنان در آینده ای نزدیک، ایشان را از صفات سطحی نگران مبرا دانسته است. بر این اساس چنین افرادی، به پشتوانه معرفت به باطن عمیق این جهان و پایبندی به اتیان اوامر و ترک نواهی الهی، فرجامی نیک خواهند داشت.

در دیگر آیات قرآن کریم نیز ایمان به آخرت در کنار اطاعت از دیگر اوامر الهی به عنوان صفت مؤمنان معرفی شده است:

الَّذِينَ يُتِمُّونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴ بقره)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (انعام ۹۲) و ...

بنا بر آنچه بیان شد باور به سرای آخرت و لزوم پاسخگویی درباره اعمال و کردار برای انسان مؤمن، تعهد و مسئولیت پذیری را به ارمغان آورده و او را به انجام کامل اوامر و نواهی الهی رهنمون می سازد.

۴-۵. تصحیح سبک زندگی

اندیشه درونی انسان، خاستگاه رفتارهای صادر شده از وی و رقم زننده عملکرد او در مقاطع مختلف زندگی است. باور به رستاخیزو اعتقاد به تأثیر مستقیم اعمال در سعادت و شقاوت نهایی، انسان را از دل بستگی عمیق به مظاهر دنیا بازداشته و سبب می شود تا در سایه سار معارف قرآن و کلام معصومین علیهم السلام با تصحیح و ارتقاء روش زندگی، هر آنچه او را از نیل به قرب الهی و مسیر مستقیم بندگی منحرف می سازد کنار گذارده و با نگاهی واقع بینانه به زندگی بنگرد.

خداوند پس از بیان غفلت کافران در آیه هفت روم، بلافاصله در آیات پسین، راه گذر از خسران دنیاگرایی را، تفکرو عبرت گیری از سرانجام گذشتگان معرفی می کند:

أُولَئِكَ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (۸) أُولَئِكَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۹)

علامه طباطبایی^(۵) درباره ارتباط آیه ۷ روم با آیه بعد می فرماید:

« استفهام در آیه، برای تعجب است و تعبیر به تفکر در نفوس، از باب به کار بردن کنایه و بدین معناست که آیا این قدر فراغت خاطر ندارند که در این مسأله بیندیشند؟ و آن را در ذهن خود بیاورند؟ گویا کفار از بس سرگرم امور دنیا و در راستای آن تلاش نموده اند که خود را هم فراموش کرده اند حال آنکه اگر خود را در ذهن خود حاضر سازند، در حقیقت در خویشتن خود قرار گرفته اند، آن وقت تفکرشان تفکری با تمرکز خواهد بود، و فکرشان پراکنده و متفرق نخواهد بود.»^۳

^۱- طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۵۷

^۲- ۹۹/انعام، ۹۲/بقره، ۲۸/طلاق، ۲ و ...

^۳- طباطبایی، همان.



تأمل در حقیقت حیات دنیوی، انسان مؤمن را از هجوم یأس های عمیق و آرزوهای دور مصون داشته و طاقتش را در برابر شدائد افزایش می دهد چرا که برخلاف جهان بینی مادی در جهان بینی الهی، ابتلائات و تمتعات مادی، فرصتی برای کسب سعادت عقبی و دریچه ای به سوی ابدیت است.

۵-۵. اصلاح فرهنگی

تبیین معاد و باور به روز رستاخیز یکی از مهم ترین اصول ادیان الهی و فصل مشترک تمامی پیامبران پس از دعوت به یکتاپرستی بوده است. انسان معادباوردر تلاش است تا در زندگی ای هدفمند، علاوه بر توجه دائم به اصلاح مستمر خود، با ترویج آموزه های دینی، جامعه اسلامی را حول محور خداپرستی و معناداری زندگی به سوی تعالی هدایت کند. در زیست مؤمنانه، افراد جامعه اسلامی با توصیه یکدیگر به اصالت مندی آخرت و اهتمام به اصلاح فرهنگی، شاهد دستاوردهای سترگی چون رشد فضایل اخلاقی، تعدیل غرائز، جلوگیری از تضییع حقوق افراد بر پایه اقامه عدل، گسترش روحیه خدمتگزاری و مواسات، تقویت ایثار و جهاد در راه خدا و ... خواهند بود.

آموزه های اسلام، با تغییر بافت فکری جامعه جزیره العرب، اجتماعی الهی و آخرتی آفرید تا آنجا که مؤمنان به شوق لقای الهی و درک سرای جاودان، از تمام تعلقات خود گذشته و در بذل جان و مال از هم سبقت می جستند. نزول آیات ابتدایی سوره روم با محور پیشگویی نصرت الهی به جامعه ایمانی آن زمان و تهدید مشرکان ناآگاه از حقیقت آخرت، دلگرمی بزرگی برای مسلمانان به حساب آمد و استحکام پیوند ایمانی مؤمنان را حول نبی خدا صلی الله علیه و آله بیش از پیش گردانید.

نتیجه گیری

- 12 پاسخ به این پرسش کلیدی که آیا زندگی انسانها منحصر در همین دنیاست یا پس از این عالم نیز زندگی دیگری وجود خواهد داشت، تأثیر به سزایی در تنظیم عملکرد انسان و انجام رفتارهای فردی و اجتماعی برای رسیدن به حیات طیبه خواهد داشت. در منطق قرآن کریم و کلمات معصومین (علیهم السلام) دنیا از لحاظ رتبه وجودی، پایین ترین عوالم و واجد صفتی ناپایدار و در نقطه مقابل، آخرت ماوراء و محیط بر آن و سرایی جاودان و اصیل است. طبق هفتمین آیه نورانی سوره مبارکه روم، دنیا دارای ظاهر و باطنی است. فراز ابتدایی آیه «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» تأکید می دارد دانش مادی گریبان محدود به ظواهر دنیا و زیورهای زودگذر آن است و این علم سطحی هم رتبه با جهل است چرا که فرقی میان ندانستن و دانشی که ناشی از امور مادی است وجود ندارد. در فراز دوم خداوند، «آخرت» را باطن دنیا معرفی کرده و دنیازدگی را عامل تغافل و انکار سرای جاودان از سوی ناباوران به معاد معرفی می کند: «وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» توجه دادن به لزوم تفکر (عامل غفلت زدایی)، درک صحیح از ماهیت دنیا و آخرت و تبیین رتبه وجودی هر یک از آنها، دستورالعمل قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) برای رفع غفلت زدایی و اصالت بخشی به جهانی فراتر از حیات دنیوی - آخرت - است تا با این بینش، انسان در میان همه لذات و زینتهای مادی، دنیا را آزمونگاه اراده ها، قربانگاه فضیلت ها و پلی برای رسیدن به سرمنزلهایی بداند نه آنکه آن را مقصد اصلی خود بازشناسد. مفسرین اسلامی فریقین ذیل آیه شریفه با توضیح مفردات، تبیین وجوه تفسیری و نکات بلاغی به ترسیم تقابل دو بینش توحیدی و مادی پرداخته و بر اصالت مندی آخرت و بهره وری از منافع دنیا به عنوان وسیله و نه هدف، تأکید کرده اند. بر این اساس معادباوری سبب تقویت زیست مؤمنانه در پرتو مؤلفه هایی چون نصرت مستمر الهی، بینش جامع توحیدی، التزام عملی به اوامر الهی، تصحیح سبک زندگی و اصلاح فرهنگی، خواهد گردید.



فهرست منابع

- ❖ القرآن الکریم
- ❖ نهج البلاغه
۱. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، ج ۱، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه، چاپ اول، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۸م.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، محقق: عبدالحمید هنداوی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۸هـ.
۴. ابن بابویه، الخصال، محقق: علی اکبر غفاری، ج ۱، جامعه‌ی مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، ج ۱، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۷. ابن فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغه، محقق: هارون عبدالسلام، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴هـ.ق.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمدحسین شمس الدین، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴هـ.ق.
۱۰. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، (نرم افزار جامع التفاسیر).
۱۱. أزهري، محمد بن أحمد، تهذيب اللغة، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱هـ.ق.
۱۲. بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، نظارت: محمود رجبی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه.
۱۴. بطرس، بستانی، معلم، محیط المحيط، مکتبه لبنان، بیروت، ۱۹۸۷م.
۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تحقیق: شیخ عبدالقادر عرفان، دارالفکر، بیروت.
۱۶. تاج آبادی، مسعود، معادشناسی با تاکید بر اندیشه های قرآنی علامه طباطبایی (ره)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۶ش ۱۶هـ.ق.
۱۷. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۱۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح: تاج اللغه و صحاح العربیه، محقق: احمد عبدالغفور عطار، چاپ اول، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۳۷۶هـ.ق.
۱۹. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، محققان: مطهر بن علی اریانی و دیگران، دارالفکر، دمشق، ۱۴۲۰هـ.ق.
۲۰. درویش، محی الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانه، الارشاد، سوریه، ۱۴۱۵ هـ.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲هـ.ق.
۲۲. زمخشری؛ محمود، الكشف عن حقائق غوامض التأویل، چاپ سوم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲۳. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ارشاد الأذهان الی تفسیر القرآن، چاپ اول، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۲۴. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، کتابخانه‌ی آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴هـ.ق.
۲۵. شاذلی، سید بن قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، چاپ ۱۷، دارالشروق، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۲۶. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، چاپ اول، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲۷. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، چاپ اول، انتشارات تهرانی، قم، ۱۴۱۹ق.
۲۸. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق.
۲۹. -----، مجموعه الرسائل، ج ۲ (نرم افزار مجموعه آثار علامه طباطبایی (ره))
۳۰. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، ۳۰جلد، دار المعرفه - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۳۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، نشر مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵هـ.
۳۲. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، محقق: مؤسسه البعثه، چاپ اول، دار الثقافه، قم، ۱۴۱۴ق.



۳۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مصحح: مؤسسه‌ی آل‌البیت، چاپ اول، مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۳۴. عکبری، عبدالله، التبیان فی اعراب القرآن، مصحح: رضا استادی، چاپ اول، ذوی‌القربی، قم، ۱۳۹۱ق.
۳۵. عروسی‌حویزی، علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: ۱۴۱۵ق.
۳۶. فخرالدین رازی، ابوعبدالله، مفاتیح‌الغیب، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن أحمد، العین، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ه.ق.
۳۸. فضل‌الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، چاپ دوم، دارالملاک للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۳۹. فیض‌کاشانی، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین‌اعلمی، چاپ دوم، انتشارات صدر، تهران، ۱۴۱۵ق.
۴۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس‌المحیط، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ه.ق.
۴۱. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۱۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۷ش.
۴۲. قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لاحکام القرآن، چاپ اول، انتشارات ناصرخسرو، تهران، ۱۳۶۴ش.
۴۳. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، چاپ چهارم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۷ق.
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، دارالکتب، قم، ۱۳۶۷ش.
۴۵. گنابادی، سلطان محمد، بیان السعاده فی مقامات العبادة، چاپ دوم، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۴۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار، محقق: جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۴۰۳ق.
۴۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، نشر صدراء، قم، ۱۳۹۰ش.
۴۸. مغنیه، محمدجواد، تفسیر المبین، بنیاد بعثت، قم، [بی‌تا].
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ه.ش.
۵۰. ملکی، حسن، تحلیلی بر نسبت دنیا و آخرت و دلالت‌های تربیتی آن، نشریه تربیت اسلامی پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ش ۱۷.
۵۱. مهنا، عبدالله، لسان‌اللسان، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ق.